پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۸ بهار ۱۳۹۹

No.38 Spring 2020

۱۶-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

تبیین تأثیر تجربه فضایی مساجد بر ترمیم روان (مطالعه مورد مسجد گوهرشاد)

➢ **پیام دادفر:** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (payamdadfar@yahoo.com)

➢ **لیلی کریمی‌فرد:** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

➢ **فریبرز دولت‌آبادی:** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران (F.dolatabadi@wtiau.ac.ir)

چکیده

معماری مساجد در ایران یکی از مهم‌ترین کاربری‌هایی است که در طول تاریخ در جهت ترمیم روان، ساخته‌شده و با توجه به اهمیت مقام معنوی این مکان‌ها، موردتوجه زائران از حیث فضایی آرام‌بخش همراه با تجلی باورهای عرفانی بوده است، اما در دوره کنونی در حوزهٔ ساخت مساجد، توجه به مسئله ترمیم و بهبود روان غافل مانده و این امر ناشی از عدم شناخت و پرداخت کافی به آن در پژوهش‌های راهبردی است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل تجربه فضایی مساجد به‌منظور ترمیم روان مخاطبان آن، در راستای ضرورت بازتولید کیفیت فضایی مساجد تاریخی در مساجد عصر حاضر است و در این راستا از رویکرد کیفی و روش استدلال منطقی که در آن سه قضیهٔ تجربی، تحلیلی و متافیزیکی در جهت راهبرد تحقیق مطرح‌شده‌اند و در نمونه موردی (مسجد گوهرشاد شهر مشهد) استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کیفیت تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد با تنوع ظهور عناصر کالبدی از ابتدا تا انتها و در تک‌تک فضاهای این مسجد مبنی بر دیدگاه آرامش و بهبود ترمیم روان زائر شکل‌گرفته است. ضمن آنکه در تحلیل بنا، به اتکای فهم ترمیم روان از طریق تجربه فضایی، حضور در فضای مسجد و استشمام هوا همراه با بوی نم و باد مطلوب در هماهنگی با دریافت‌های حسی از فضا بیرونی مسجد، عالمی وصف‌ناپذیر را به نمایش درآورده است که در جهت بهبود درک این عالم وصف‌ناپذیر تناسبات، فرم، مصالح، حرکت از زمین به آسمان، چه در محیط داخلی و چه خارجی، قابل‌درک است.

واژگان کلیدی: فضا، تجربه فضایی، ترمیم روان، معماری مساجد، مسجد گوهرشاد

Abstract

Throughout the history, the architecture of mosques in Iran is one of the most important means of mental restoration, and due to the spiritual status and importance of these places, they have received a great interest for their relaxing atmosphere that manifests mystical beliefs. However, in the current time, in the field of mosque construction, attention to the issues of mental restoration and tranquility seem to be neglected due to the lack of sufficient knowledge and payment in strategic research. Accordingly, the main purpose of the present study is to analyze the spatial experience of mosques in restoring the spirituality of its audience in line with the need to reproduce the spatial quality of historic mosques in modern mosques. In this regard, a qualitative research approach based on logical reasoning research methodology was employed and three experimental, analytical and metaphysical theorems were proposed as the research strategy in the case of Goharshad Mosque in Mashhad. Finally, the results indicated that the quality of spatial experience and variation of physical element in every inch of Goharshad is based on the view of tranquility that leads to pilgrims' mental restoration. In the analysis of the building, relying on the understanding of mental restoration through spatial experience, being in the mosque space and inhaling the air along with the pleasant smell of wind and wind in harmony with sensory perceptions of the outside space of the mosque represent an indescribable world. In order to improve the understanding of this indescribable world, proportions, forms, materials, moving from earth to sky, both inside and outside, must be understood.

Keywords: Space, space experience, mental restoration, mosque architecture, Goharshad mosque

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «تبیین تأثیر تجربه فضایی مساجد بر ترمیم روان» است که به راهنمایی و مشاوره نویسندگان دو و سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش در حال انجام است.

*نویسنده مسئول مکاتبات: لیلی کریمی‌فرد (Lkf@karimifard.org)

مقدمه

ازآنجایی‌که تمام ساختمایه‌های بشر، از افکار، اندیشه و ذهنیات او ناشی می‌شود، حامل اعتقادات، باورها و ذهنیاتی می‌باشد که پدیدآورندهٔ آن با تأثیر گرفتن از چارچوب اعتقادی و مذهبی و هم‌سو با دستگاه فکری خود، برای انتقال آن‌ها به مخاطبان و معنابخشی به محیط زندگی، خلق کرده است (مهدی نژاد، ۶٤:۱۳۹۷). این موضوع در حوزهٔ معماری که چیزی به غیر از تجسم صور ذهنی در امر محسوس نیست، به‌عنوان اصلی‌ترین زمینه‌های درک فضا از طریق بیان معانیِ نهفته در ظاهر آن می‌باشد. از این‌رو اهمیت معماری این‌گونه بناها در نزد ایرانیان که جایگاه مساجد در اندیشهٔ آنان دیرینه است، دوچندان می‌باشد. معماری ایرانیان به‌درستی فهم نمی‌شود مگر آنکه دو ساحت وجودیِ ظاهری و باطنی فضای ساخته‌شده با یکدیگر درک شود. مساجد ایران یکی از مهم‌ترین بناهایی است که در طول تاریخ، ساخته‌شده و با توجه به اهمیت مقام معنوی آن، موردتوجه معماران به لحاظ فضایی مقدس و آرام‌بخش که تجلی باورهای عرفانی انسان‌ها است، بوده است (بهشتی، ۳۲:۱۳۸۹). در مساجد معماران تلاش نموده‌اند علاوه بر جنبه‌های دینی و مذهبی، عملکرد مساجد به‌عنوان مکانی آرامش‌بخش را نیز در بنا متبلور سازند و آنچه بنا می‌نمودند، واجد معانی مذهبی و دینی و مکانی آرامش‌بخش باشد، اما در مطالعات صورت گرفته، مساجد از این نظر مورد کنکاش قرار نگرفته‌اند. همچنین در دوران کنونی در حوزهٔ ساخت مساجد، ترمیم روان که یکی از مهم‌ترین ارکان معماری بناهای مذهبی بود تا حد زیادی فراموش‌شده و این امر ناشی از عدم شناخت و پرداخت کافی به این موضوع در تحقیقات راهبردی است که سبب گشته است تا فضای مساجد امروزی گهگاه حتی در پاسخگویی به عملکرد هم باز مانند. مسجد که عنصر شاخص هر شهر و بازگوکننده کمال معماری ایرانیان بود، اکنون به‌عنوان یک اصل در حوزه معماری، بیشتر معطوف به زیبایی بصری و فرمی گشته است تا ایجاد فضایی آرامش‌بخش. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل تجربه فضایی مساجد به‌منظور ترمیم روان مخاطبان آن در راستای ضرورت بازتولید کیفیت فضایی مساجد تاریخی در مساجد دوران کنونی است. این پژوهش بر این فرض استوار است که در معماری مساجد ایران، رابطهٔ میان تجربه فضایی و ترمیم روان امری محسوس و معقول و دارای مفاهیم معنوی است و عوامل کالبدی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تجربه فضایی مساجد و به سبب آن ترمیم روان می‌باشد. بنابراین می‌توان پرسید: ۱. چگونه تجربه فضایی مساجد ایران می‌تواند بر ترمیم روان مخاطبان آن تأثیرگذار باشد؟ ۲. کدام مؤلفه‌ها در تبیین تجربه فضایی مساجد ایران تأثیرگذارند؟

پیشینه پژوهش

ازجمله عمده‌ترین پژوهش‌های مرتبط با ادراک و تجربه فضا می‌توان به مقاله جمالوندی و همکارانش با عنوان *نقش نور و رنگ در معماری مساجد ایرانی اسلامی* اشاره کرد که در آن نویسندگان با بررسی و تحلیل نقش نور و رنگ در معماری مساجد ایرانی اسلامی دریافتند که دیدگاه به نور و رنگ در معماری مساجد یک دیدگاه عارفانه به توحید است. همچنین نساج و گودرزی در مقاله خود با عنوان *بررسی نشانه شناسانه کاربرد عناصر طبیعت در معماری مسجد امام اصفهان* با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافتند که از منظر جهان‌بینی اسلامی، عناصر عالم خلقت و آنچه در طبیعت است، آیات و نشانه‌های پروردگار هستند که اشاره به این عناصر، در حوزه هنر و معماری، انعکاس و پیامی از مفاهیم عالم معنوی را به منصه ظهور گذاشته است و مفاهیمی عینی را برای انسان اهل تدبر مهیا نموده است. این موضوع جدا از سایر مسائل کاربردی آن موجب ایجاد قابلیت‌ها و ظرفیت‌های معناکاوانه و غنای محتوایی اثر معماری گشته که همین معنامندی سبب دستیابی به هویت در این بنای ارزشمند شده است. ضمن آنکه ضرغامی و بهروز در پژوهشی با عنوان *نقش و مفهوم فضا در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی* دریافتند که با واژگان، انگاره‌ها و چارچوب ارجاع‌های یک رشتهٔ واحد نمی‌توان سراغ شناخت‌شناسی فضا رفت. طرق جایگزین و نوآورانه‌ای برای این مهم با فرا رفتن از خطوطی که محدودهٔ رشته‌های دانشگاهی (جغرافیا، برنامه‌ریزی، معماری و علوم اجتماعی) و تخصص‌های درگیر در درک و دگرگونی فضا را مشخص می‌کنند مقدور می‌شوند. در این مسیر گام اول حرکت از هستی‌شناسی معماری مدرن به‌سوی یک هستی‌شناسی

رابطه‌ای است که فضا در آن نه ایستا و خنثی که خود فرآورده و فرآورنده است و گام بعدی روی آوردن به پارادایم‌های بین و ترارشته‌ای و گفت‌وگوی مابین رشته‌ها و اعمال مرتبط خواهد بود. تقدیر در پژوهش خود با عنوان *تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه* نشان داد که دریافت‌های انسان در قالب صورت و معنا، در خزانه متصل به نفس ذخیره می‌گردد. همچنین شجاری و همکارانش در تحقیقی با عنوان *حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد بر مبنای آرای ملاصدرا* با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی دریافتند که موفقیت یک اثر معماری زمانی است که فضا حالت خنثی نداشته و ناظر خود را متأثر سازد. یک چنین فضایی که ناظر را ترغیب به حرکت کرده و عنان چشم، پا و ذهن مخاطب را از دستش خارج کرده و در مسجد کبود تبریز این امر به‌خوبی قابل‌مشاهده است. مهدی‌نژاد و همکارانش در پژوهش خود با عنوان *بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی معیارهای طراحی مساجد با بهره‌گیری از تحلیل الگوهای فضایی* دریافتند که هم‌پیوندی فضاها در مساجد جامع اردستان با توجه به بالا بودن آن، بیانگر میزان یکپارچگی و دسترس‌پذیر بودن فضاها می‌باشد. همچنین دری و طلیسچی در تحقیقی با عنوان *کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی* با رویکرد کیفی به روش مطالعه نمونه موردی دریافتند که فضا در معماری ایران متنوع یافت می‌شود و از منظر ادراک حسی به‌صورت کرانمند و متناسب با عالم صغیر است که کرانه و جسم محیط بر فضا است. از این منظر، کرانه علاوه بر درونیت، سبب مرکزگرایی، تکثر، سلسله‌مراتب، گسست فضا با بیرون، نیز می‌شود. درمجموع، معماری مساجد خلق فضایی است قابل‌درک که با بیان نغز و ظریف هنرمندی به منصه ظهور رسیده، عناصر معماری اسلامی همچون گنبد، محراب، گلدسته، ستون و غیره هرکدام پیامی را به مخاطب القاء می‌نمایند که علاوه بر زیباسازی فضا در افزایش کیفیت فضایی در جهت ترمیم روان افراد نقش مؤثری دارند و همواره معرفت هویتی ویژه برای مسلمانان بوده‌اند. از این‌رو گروه کثیری از مطالعات انجام‌شده، درصدد روشن کردن نقش تک مؤلفه‌های فیزیکی مؤثر بر فضای مساجد بوده‌اند و به‌صورت جامع ویژگی‌های مؤثر بر تجربه فضایی مساجد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن بررسی نشده است. بنابراین با بررسی پژوهش‌های پیشین مرتبط با پژوهش حاضر مشخص گردید که تاکنون پژوهشی در راستای تأثیر روانشناختی عناصر کالبدی مسجد بر مخاطب انجام نگرفته است و از این‌رو پژوهش حاضر دارای نوآوری است.

مرور ادبیات موضوع و مبانی نظری پژوهش

فضا و تجربه فضایی

نظریه‌پرداز، معمار و مربی مشهور برنارد تسوومی دیدگاه جالبی درباره معماری و تجربیات فضایی دارد. او معتقد است : «هیچ معماری بدون رویداد وجود ندارد.» تسوومی ا توجه به نتیجه‌گیری از روش نمودار آیزنشتاین، مؤلفه‌هایی که یک تجربه فضایی از آن ساخته‌شده من‌جمله فضا، رویداد و فعالیت را موردبحث قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که تجربه فضایی نه‌تنها در مورد فضا، شکل و عملکرد است بلکه رویداد و فعالیت را نیز شامل می‌شود (Tschumi, 2012: 212). دیوید لتربارو بیان می‌دارد که وقتی کیفیت غیرمنتظره یک تجربه را درک می‌کنیم، آن را یک رویداد می‌نامیم. ضمن آنکه وی توضیح می‌دهد که ما تجربیاتی را که به‌صورت غیرقابل‌پیش‌بینی اتفاق افتاده است را رویداد می‌نامیم و حوادث واقعی همیشه بیش از آن چیزی است که از آن‌ها انتظار داشتیم. بنابراین می‌توان رویداد را مطابق با بیان تسومی و لدربارو برابر با تجربه‌ای باکیفیت غیرمنتظره دانست، کیفیتی که با سه مؤلفه مردم، زمینه و فعالیت ارتباط دارد. اندرسون نیز معتقد است که هرچه پیوند بین افراد، زمینه و فعالیتی که می‌توان ایجاد کرد، قوی‌تر باشد، کیفیت تجربه‌ای که می‌توان از فضا گرفت، افزایش می‌یابد (Franz & et al, 2005: 102). از این‌رو مقایسه بحث‌های اندرسون و استدلال تسومی مطابق با بحث‌های لیدربارو در مورد تجربیات فضایی، مفهوم رویداد و ارتباط آن باکیفیت غیرمنتظره از تجربه، دارای وجه تشابه است، به‌گونه‌ای که مؤلفه‌های اساسی اندرسون، مؤلفه‌هایی است که تسوومی در ایجاد تجربه فضایی از آن استفاده نموده است و در این میان فعالیت مؤثرترین مؤلفه اساسی است. با توجه به مطالب مطرح‌شده در درک تجربه فضایی، افراد، زمینه و فعالیت به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در محیط ساخته‌شده

در نظر گرفته می‌شوند و سپس یک تجربه فضایی تعریف می‌شود که افراد را در یک فعالیت خاص در یک زمینه درگیر می‌کند و ارتقاء کیفیت تجربه فضایی به سطحی غیرقابل‌انتظار به پیوندهای قوی‌تری بین افراد، زمینه و فعالیت می‌پردازد.

سلامت و ترمیم روان

ترمیم و یا بازسازی روانشناختی در شاخه روانشناسی محیطی، بهبودی و بازسازی منابع نابود شده یا به انتها رسیده است که روانشناختی (توجه و احساسات)، فیزیولوژیکی (استرس) و اجتماعی است و می‌تواند درنتیجه تعامل با محیط ترمیمی، حالت منفی را به مثبت تغییر دهد (Harting, 2011: 43; Harting, 2004: 274). ضمن آنکه ترمیم روانشناختی می‌تواند به‌عنوان توانایی ادراک بازسازی توصیف شود و به‌عنوان یک ناظر خواص محیطی که خستگی ذهنی و استرس را در فرد کاهش می‌دهد، درک کند (coles and keshvarz, 2006: 87). ازآنجایی‌که روانشناسی محیطی نیز شاخه‌ای از روانشناسی است که ارتباط بین افراد و ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی محیط‌زیست ساخته‌شده و طبیعی را بررسی می‌کند تا به بهبود سلامت بشر و بهبود روابط انسانی و محیطی کمک کند؛ می‌تواند مطالعه تأثیر محیط فیزیکی بر افراد و تأثیر افراد بر محیط فیزیکی را نیز بررسی نماید تا بدین طریق بتواند کیفیت زندگی در شهرها را بهبود بخشد، زیرا شهرها و به‌طور خاص خیابان‌ها، عوامل استرس‌زا شهری ایجاد می‌کنند که توانایی افراد را برای بازگرداندن خود در برابر استرس و خستگی روانی تهدید می‌کند (Gifford, 2007: 32). در این زمینه، استرس نوعی هرج و مرج روحی یا عاطفی است که ناشی از شرایط نامطلوب یا چالش‌برانگیز است که بر سلامت روانی و حتی جسمی افراد تأثیر می‌گذارد و استرس روانشناختی هنگامی رخ می‌دهد که درک یک شخص از محیط بالاتر یا زیر ظرفیت سازگاری او باشد که بهزیستی را به چالش می‌کشد یا آن را تهدید می‌کند و ترمیم روانشناختی به‌طورکلی توانایی فرد در غلبه بر استرس و خستگی ذهنی است و جوان‌سازی ذهنی را تجربه می‌کند (Cohen and et al, 2007: 1689).

رویکرد تجربه فضایی به ترمیم روان

انسان از دوران ظهور اسلام مساجد را به‌عنوان واسطه‌ای برای فهم و شناخت آفریدگار خویش دانسته و اعتقاد و باور داشته که مساجد ازآنجایی‌که نمادهای سیر به‌سوی خداوند را در خود دارند، از هر آنچه آدمی خلق می‌کند، جاودان‌تر هستند. از گذشته‌های دور، مذهب و باورهای دینی نقش مهمی در زندگی انسان داشته است. از این‌رو، توجه به مکان‌های مقدس و عبادتگاه‌ها، همواره جایگاه ویژه‌ای در حیات انسان سنتی داشته است. حقیقت امر این است که مسجد، نوع عالی بنای اسلامی به معنای واقعی کلمه است و به‌این‌ترتیب کلید معماری اسلامی به شمار می‌آید (Hillenbrand, 2010: 91). در میان اندام‌های درونی هر شهر و روستا، نیایشگاه همیشه جای ویژه خود را داشته و دارد و از اندام‌های دیگر نمایان‌تر و چشم‌گیرتر است و از این‌رو همه‌جا در مرکز آبادی جای گرفته است (پیرنیا، ۱۳۸۷:۳۹). بناهایی که به دست انسان ساخته می‌شود، جلوه‌هایی از نگرش او به جهان هستی می‌باشند که مبین قوّه فکری و ساختار فرهنگی اجتماعی افراد آن جامعه هستند. این برداشت که معماری می‌تواند دیدگاهی طبیعی یا مافوق طبیعی داشته باشد درهرحال خارج از تأثیر محیط اطراف و اقلیم جغرافیایی انسان نیست، بنابراین در بررسی معماری یک بنا، ابتدا باید جهان و جهان‌بینی سازنده آن بنا را مورد کنکاش قرار داد تا بتوان افکار و عقاید او را در حجمی از آرایش فضا مشاهده کرد (نصر، ۱۳۹۰:۸۹). یکی از جنبه‌های اساسی در هنرها، کالبدی کردن باورها و اعتقادات هنرمند است. بدین‌سان معماری نیز به‌عنوان شاخه‌ای از هنرها که بیش از بقیه با محیط ارتباط دارد؛ از این قاعده مستثنی نیست. معماری ایران پیش از اسلام دارای رویکردی طبیعت‌گرا با نگاهی تقدس‌آمیز به عناصر طبیعت بود و بنا را در ارتباط با عناصر طبیعی قرار می‌داد که می‌توان آن را در معماری یونان باستان و ایران قبل از اسلام (زرتشت) ملاحظه کرد. وحدت با طبیعت که ریشه در اندیشه‌های خداباوری دارد و طبیعت را با پیکر الوهیت یکی می‌داند، تجلی خود را در هنر و معماری بر جای نهاده است. الگوهای بسیاری از ابتدا در ذهن ما انسان‌ها وجود دارند: ما عمل‌ها و عکس‌العمل‌هایی را که بقایمان را تضمین می‌کنند، به ارث

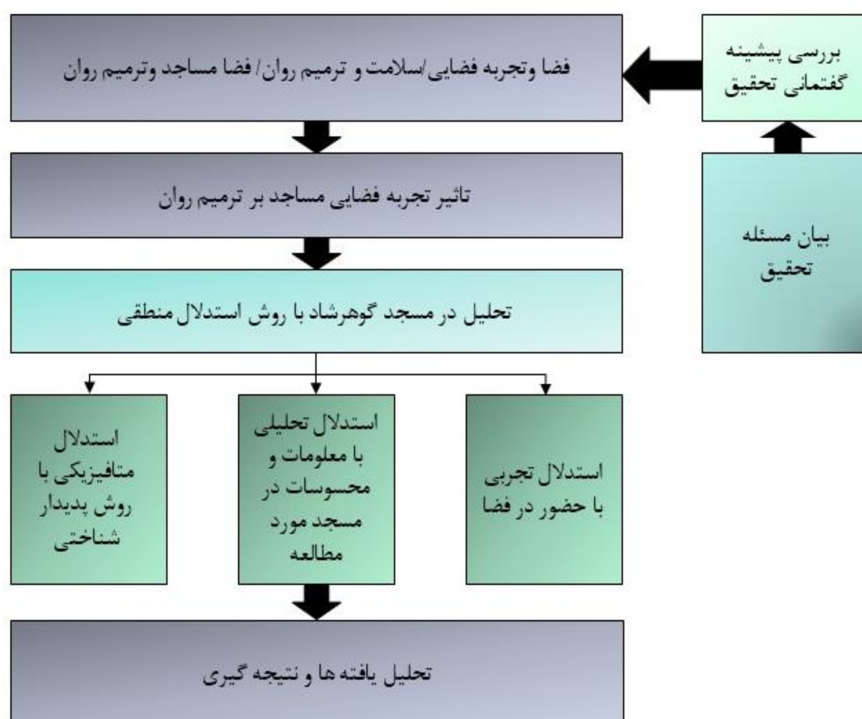
می‌بریم ولی سایر الگوها باید آموخته شوند و یک بخش اضافی و مصنوعی را در ذهن انسان بسازند. توانایی درک الگوها منافعی مانند تطابق و تغییر محیط را برای ما به ارمغان می‌آورند. البته پیچیدگی‌هایی شامل یک الگو در هر مجموعهٔ خاص باید جزءبه‌جزء آشکار و خوانا شود تا بتوان مکانیزم بنیادی آن الگو را دریافت. معماری را نمی‌توان به‌تنهایی به‌عنوان واقعیتی ملموس و قابل‌دیدن در نظر گرفت؛ بلکه در کالبد معماری، نظم و ترتیبی غیرقابل رؤیت، متافیزیکی و یا آیینی وجود دارد که توسط فرهنگ اساطیری و از طریق خاطرات شاعرانه و تخیلی ایجاد گردیده است. در حقیقت می‌توان گفت: خاطرات گذشته ما در معماری جای گرفته است. بنابراین مساجد در اندیشه ایرانیان بازتاب ادراک آنان از فضایی مقدس است و ازآنجاکه رشد دینی و سیر به عالم سلوک خود را در این فضا می‌دیدند، ماهیت این فضا و مکان را مقدس و در راستای حکمت الهی می‌پنداشتند. از این‌رو ادراک محیط بر اساس تصاویر ذهني و دروني مادي صورت مي‌گيرد و اين ادراک که آميزه‌اي چندگانه از خود مدرك است؛ گاه با عواملي همچون انديشه، خردگرايي و سرشتِ خدايي تفسير مي‌شود. اين ادراک، در رويکردي طبيعي، تصويري را خلق مي‌کند که باعث خوش‌آمد ذهنی و اعتقادي خود مي‌گردد و رويکردهاي گوناگوني در پي دارد: رويکردهاي محسوس که بيشتر جنبهٔ حسي دارند و متغيرند و رويکردهاي معقول (واقعيت) که دلالتي هستند و به خرد، عقل و دانايي و توحيد مي‌انجامند (MacAllister, 2016: 121).



تصویر ۱: ترمیم روان در محیط مطلوب (MacAllister,2016:120)

روش پژوهش

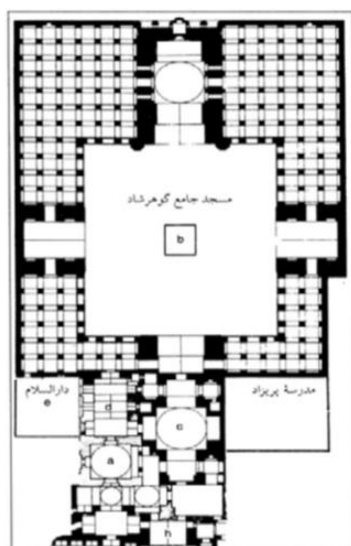
پژوهش حاضر با رویکرد تحقیق کیفی و مبانی فلسفی تفسیری (بازرگان، ۱۳۹۷: ۱۹) و روش تحقیق استدلال منطقی انجام‌گرفته است. با توجه به آنکه استدلال میان چند قضیه، ارتباط دقیق و منظم برقرار می‌سازد تا از پیوند آن‌ها نتیجه حاصل شود، سه قضیهٔ تجربی، تحلیلی و متافیزیکی در راهبرد تحقیق مطرح شده است (میرجانی، ۱۳۸۹: ۵۰). در مرحلهٔ تدوین مبانی نظری تحقیق جمع‌آوری اطلاعات و آراء نظریه‌پردازان، به اتکای متون و اسناد کتابخانه‌ای، صورت گرفته است. در مرحلهٔ تحلیل قضیهٔ تجربی، گردآوری داده‌های میدانی از طریق حضور در فضا و تجربهٔ فضا انجام‌شده، در مرحلهٔ قضیهٔ تحلیلی، بررسی معلومات و محسوسات بنای موردمطالعه اساس کار بوده و در مرحلهٔ قضیه متافیزیکی، مبنای استدلالات بر اساس روش پدیدارشناختی است. پس از واژه‌شناسی و بیان معانی و تعاریف تجربه فضایی و ترمیم روان، نقش فضای مسجد گوهرشاد شهر مشهد در ترمیم روان، ابتدا در بحث ادراک شهودی و سپس ادراک تجربی و بعد از آن ادراک متافیزیکی موردبررسی قرار گرفت. نمودار شکل ۲ ساختار تحقیق را نشان می‌دهد.



تصویر ۲: نمودار مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

معرفی نمونه موردمطالعه

مسجد گوهرشاد شهر مشهد که از شاخصه‌های معماری دوره تیموری است، به‌عنوان کهن‌ترین مسجد شیعه در شهر مشهد است که با گذشت ۶۰۰ سال از احداث آن همچنان مستحکم و ماندگار عظمت و قدمت معماری و هنر اسلامی را به نمایش می‌گذارد. این مسجد که در جنوب حرم مطهر امام رضا(ع) واقع گشته است، به رواق‌های دارالسیاده و دارالحفاظ متصل می‌باشد. به لحاظ استحکام همراه با ویژگی‌های معماری اسلامی و زیبایی در طراحی، اسلوب، خط، کاشی‌کاری‌های معرق و غیرمعرق، مقرنس، گچ‌کاری و دیگر تزئینات هنری و مشخصه‌های معماری سنتی بی‌نظیر و ممتاز دارد (تصویر ۳).





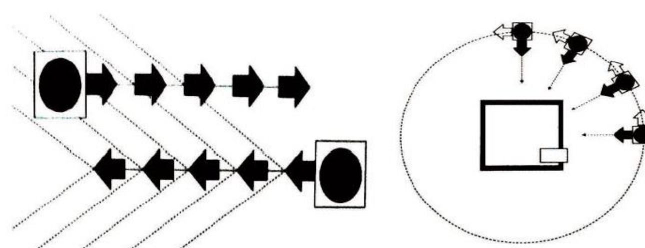
a. بقعه مطهر حضرت رضا علیه السلام
b. مسجد گوهرشاد
c. دارالسیاده
d. دارالحفاظ
e. دارالسلام
h. ایوان طلای نادری (در صحن عتیق)

تصویر ۳: پلان و عکس هوایی مسجد گوهرشاد مشهد (مأخذ: مرکز اسناد دانشکده معماري دانشگاه علم و صنعت ایران)

تحلیل بنا

قضیه تجربی: حضور در فضاها و تجربهٔ ترمیم روان به‌واسطه عناصر کالبدی بنا

معماری، ارتباطی دوسویه است میان عالم طبیعت و جهان انسان‌ساخت به‌نحوی‌که به‌واسطه کالبد عناصر و اجزا، میان انسان و فضا ارتباطی از طریق مصالح، رنگ، نور، جهت‌گیری و حضور عناصری من‌جمله آب و گیاه برقرار می‌سازد (اکبری، ۱۳۹۷ب: ۹۱). در مسجد گوهرشاد، همهٔ این ابزارها قابل‌درک و تجربه است. در قضیه تجربی استدلال منطقی تبیین تأثیر تجربه فضایی مساجد بر ترمیم روان، کیفیت مواجهه با کالبد بنا در پروژه مورد تحلیل تجربی قرار می‌گیرد. صور عناصر کالبدی و تفسیر ترمیم روان به‌واسطه این عناصر در جدول شماره ۱ تحلیل شده است.



تصویر ٤: سکون در اقامه نماز و محور افقی ثابت و حرکت در زیارت و محور متغیر (نقره‌کار، ۵۱۵:۱۳۸۷).

جدول ۱: تحلیل عناصر کالبدی و تفسیر ترمیم روان به‌واسطه این عناصر در مسجد گوهرشاد (مأخذ: نگارندگان).

فضا/ عناصر	مصالح	رنگ	حضور آب و گیاه	تزئینات	نوع خط بکار رفته	تحلیل عناصر کالبدی در تجربه فضایی و تأثیر آن بر ترمیم روان
شبستان مسجد (شبستان زمستانی)	کاشی و آجر و گچ‌کاری	کرم آبی زرد سفید	حوض آب	کاشی معرق به رنگ فیروزه‌ای آجرکاری چهار سکوی گل برجسته	خط نستعلیق خط معلقی	حضور در فضا نشان از ساختار کالبدی فضا کیفیتی متعادل از نشانه‌های معنادار تجربه فضایی است و کالبد عناصر برتری نسبت به یکدیگر ندارد و عالمی آرامش‌بخش را برای زائر فراهم می‌نماید تا زائر را در نخستین گام حضور در فضا، مهیای سفر معنوی سازد.
گنبد و مناره‌های واقع در ایوان	کاشی‌کاری با رنگ آبی فیروزه‌ای	کرم آبی لاجوردی زرد سفید	-	کتیبه با بند رومی کشیده و ترکیب مدور حمیل کشي نقوش گلچین معلقی در گنبد با ترک‌بندی	خط بنايي سه رگي کشیده خط معلقی شطرنجی کتیبه با خط ثلث	ساختار کالبدی گنبد و ستون‌های اطراف آن به دلیل فرم گرایی متعادل از نمادهای الحاق بخش مسجد و بهره‌مندی از مصالح بومی سبب آرامش و آسودگی روحی زائران می‌شود. ازآنجایی‌که حضور در مسجد به زائران آرامش را القاء می‌نماید، حال ساختار کالبدی گنبد و بهره‌مندی از مصالح بومی این حس را دوچندان می‌کند.
ایوان‌ها	کاشی‌کاری و آجر	آبی زرد نارنجی سفید	-	کاشی معرق گره معلقی و کاشی نره و زهره شمسه، مقرنس‌کاری	کتیبه با خط محقق خط معلقی خط کوفی سه رگی	هیچ‌کدام از ایوان‌های مسجد گوهرشاد به لحاظ ساختار کالبدی بر یکدیگر برتری نداشته و تمامی این ایوان‌ها از مصالح شاخص و بومی مساجد در جهت القاء حضور در مسجد استفاده نموده‌اند.

دارالسیاده	آجرکاری و کاشی‌کاری	کرم و آبی فیروزه‌ای	-	مقرنس‌کاری رسمی بندی ترنج و لچکی	خط معلقی خط اسلیمی و ختایی	تجربه فضایی دارالسیاده به دلیل ستون‌های قطور همراه با مصالح آجر و کاشی و نوع خطوط به‌کاررفته، برای زائر امروز القائی از رواق دیروز نیست و فضایی آرام‌بخش در جهت ترمیم و بهبود روان را ایجاد نمی‌کند. لیکن تنها با یادآوری مفهوم مسجد می‌تواند القاء کننده آرامش برای زائر باشد و بهبود روان را به همراه آورد.
دارالحفاظ	آجرکاری و کاشی‌کاری آیینه‌کاری	کرم و آبی فیروزه‌ای	-	مقرنس‌کاری رسمی بندی ترنج و لچکی	خط معلقی خط نستعلیق	با توجه به هفت صفه این رواق و نوع تزئینات که در دیوار و سقف آیینه‌کاری است، زائر با ورود و گذر از این فضا که مابین دیگر رواق‌ها واقع گشته است، هرکجا که به درون آیینه‌ها بنگرد، تصویر زیبایی از عناصر این مسجد را می‌بیند و همواره خود را در درون این فضای بهشت گون احساس می‌کند. از این‌رو زائر لحظه‌ای نمی‌تواند ذهنش را از بودن درون این فضا دور کند.
دارالسلام	آجرکاری و کاشی‌کاری آیینه‌کاری	کرم و آبی فیروزه‌ای	-	رسمی بندی ترنج لچکی	خط نستعلیق	با حضور در این فضای میانی که ارتباط میان دو فضای دیگر را برقرار می‌سازد، ذهن و روان زائر به دلیل تجمل‌گرایی (آیینه‌کاری‌های متعدد) از حالت فضای عرفانی خارج می‌شود و سپس با ورود به دیگر فضاهای این مسجد دوباره حالتی عرفانی به وی بازمی‌گردد.
مدرسه پریزاد	آجرکاری گچ‌کاری کاشی‌کاری	سفید و آبی کهربایی	-	مقرنس‌کاری ترنج بندی کاشی معرق	خط معلقی خط ثلث سفید خط کوفی	کالبد، مصالح و فرم مدرسه با فضای مسجد همگون است و ساختار آن متعادل از نشانه‌های معنادار می‌باشد. ساده گرایی عناصر و اجزا این مدرسه می‌توانند به بهبود ذهن زائر مسجد کمک نماید.

با توجه به جدول ۱، ترمیم روان در مسجد گوهرشاد شهر مشهد ابتدا از طریق تجربه فضایی و حضور در صحن و شبستان مسجد و سپس از طریق گنبد و مناره‌های اطراف آن همراه با ایوان‌ها به زائران منتقل می‌گردد. ضمن اینکه حضور آب و حوضچه وسط صحن به القاء حس آرامش کمک می‌نماید، زیرا در این مسجد تنوع حضور پذیری فضاهای مجموعه، سیر تکاملی متأثر از دیدگاه عرفانی، تشخص عناصر نمادین بنا و تنوع حضور عناصر کالبدی بالأخص مصالح در این مسجد همراه با تنوع کیفیت ادراکی فضاها در نگاه روانشناختی به محیط انسان‌ساخت، مسجد را فضایی بهشت گون می‌دانند که در ترمیم روان زائران نقشی اساسی ایفا می‌نماید. لازم به ذکر می‌باشد که معماران مسجد گوهرشاد در چشم‌انداز ابدی‌شان از زمان، موقعیتی را برای ساخت اتخاذ نموده‌اند که مکانیت جاودانگی را به ذهن متبادر سازد. ضمن آنکه مجموعه درجایی قرار می‌گیرد که پایداری ساختارهای طبیعی و برآیند نیروهای کیهانی در آن، عالم صغیری را می‌سازد که بعد زمان را تحلیل می‌برند. از این‌رو این بنا در کانون این عالم عرفانی قرار می‌گیرد و همه‌چیز را حول محور خود، رو به قبله، سازماندهی می‌کند. ازآنجایی‌که در مساجد قبله نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌نماید و در شکل آن، هندسهٔ محیطی از اهمیت کمتری نسبت به جهت قبله برخوردار است؛ مفهوم سرمدیت و ازلیت تشدید می‌گردد. همچنین درعین‌حال مسجد جای سکون است و این سکون یک نوع تجربه زمان را با خود به

مخاطب منتقل می‌کند. مؤمن عابد به هنگام اقامه نماز، ساکن است و جابجایی جسمانی ندارد؛ اما زائر به دور ضریح می‌چرخد. در نماز، انسان و راستای دید او ثابت است و سکون در زمان، طمأنینه و آرامش بهترین نوع از هندسه فضایی برای شروع سیر به به‌سوی عالم یکتا است. در مسجد گوهرشاد، زائر با حرکت در مسجد، به دور کانون قدسی حرکت می‌کند و در هرلحظه از زمان، حرکت جسمانی و تغییر محور دید او، نوعی تجربهٔ نوینی از حرکت در فضا را ایجاد می‌کند که با ایجاد تمرکز، زمینه‌ساز سیر به عالم سلوک و تمرکز ذهنی و آرامش خیال وی می‌گردد. از این‌رو اگر خواست قطعی همه انسان‌ها دستیابی به آرامش روان و ذهن در مکان‌های مذهبی است که دین، ذهنیت و حیاتشان را معنا بخشد، عناصر کالبدی معمارانه قابل وثوق، ماهیت ازلی و ابدی بودن، آرامش انسان‌ها را در قالب تجربه فضایی که سبب القاء آرامش خیال و ذهن و به طبع آن ترمیم روان را به دنبال دارد، بازگو می‌کنند که در ضمیر ناخودآگاه آنان نهفته است. ضمناً مسجد، مخاطب را دعوت می‌کند تا با حضور در او، به مقوله ذهن، روان و ماهیت خود بیندیشد و آرامش را از او و سازمان ساختار کالبدی‌اش بیاموزد.

در این مسجد، ترکیب هنرمندانه کاشی‌کاری آبی فیروزه‌ای و آجر در مناره‌ها و گنبد، تمثیلی شاعرانه از پیوند آسمان و زمین است که مظهر پیوند روح عارف سالکی است که می‌تواند از خاک به افلاک نائل شود. هر دو بنا ضرورتاً چند حسی است و ادراکات حسی مخاطبانشان را به‌طور کامل فرامی‌خوانند. کالبد این مسجد به نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنج‌گانه انسان‌ها را درگیر خود می‌کند. بینایی در بنا ایستا نیست بلکه در ذات پویای خود با اکتشاف همراه است و هر جز از بنا و هر یک فضاها و دهلیزها چشمان ناظر را برای درک خویش، جذب می‌کند. کثرت دریافت‌های همزمان به‌مثابه هستاری که با محیط تجربه می‌شود. حتی هر فضای جزئی از بنا، مانند ایوان‌ها و شبستان‌ها واجد کیفیت‌های گوناگونی از ادراک از طریق حواس پنج‌گانه هستند که این ویژگی‌ها به دریافت آرامش و ترمیم روان زائران کمک می‌نماید. در مسجد گوهرشاد سازندگان سادگی، تک‌رنگی و بی‌آلایشی بنا را به‌طور عامدانه، نمادی از شریعت ناب اسلام قرار داده‌اند و در گنبد تزئینات، کاشی‌کاری‌های رنگی، پرداخت بیشتر و اطوار بصری ماده را ابزاری برای ابراز ارادت به مقام عرفانی مراد خود قرار داده‌اند. تناسبات کالبدی مجموعه‌ای متواضع و انسانی خلق کرده است. انسان جهان را با ساختمان و وجود کالبدی‌اش دریافت و درک می‌کند. جهان تجربی حول کالبد سازماندهی و تعریف می‌شود و معنا می‌یابد. در واقع جهان تجربی انسان‌ها، واجد دو کانون همزمان کالبد فضای اطراف و ذهنیات انسان است.

قضیه تحلیلی: ادراک محسوسات و معلومات در جهت تجربه فضایی

با توجه به آنکه ادراکات حسی، وجهی از حالات آگاهانه و حیث التفاتی فهم عالم محسوب می‌شود و بر برداشت معانی از امر محسوس در ذهن مخاطب فضا مؤثر است (اکبری، ۱۳۹۷الف: ۲۰)، معماران مسجد گوهرشاد کوشیده‌اند فضاهای حسی متعددی را خلق کنند. در سیر عرفانی، حرکت از نور به تاریکی و از تاریکی به سمت نور، در آرای بسیاری از عرفا و حکما ازجمله ابن عربی، سهروردی، عبدالرزاق کاشانی و بعدها ملاصدرا در اسفار اربعه تجلی‌یافته است. دو سفر اول نوعی سفر از تاریکی نفس به نور احدیت و دو سفر دوم، حرکت از نور (پس از فنا) به‌جایی است که هیچ نوری نیست جز ذات حق و حیات جاویدان. در اندیشه عرفا، عرفان رو به نور مقدمهٔ عرفان رو به تاریکی است و در این بنا، تقابل این دو عرفان قابل‌احصا است.

تجربه فضایی در این مسجد با گذر از ورودی و وارد شدن به صحن مسجد اتفاق می‌افتد. حضور در صحن مسجد با دیدن حوض وسیع و به سبب آن بوی نم، فضایی بهشت گون را ایجاد می‌نماید. بوی نم و صدای آب خود نوعی آرامش خیال را برای زائر فراهم می‌آورد، زیرا عنصر آب در حیات زندگی عنصری جاودان، زندگی‌بخش و آرامش‌بخش است و استفاده از این مؤلفه در کنار مصالح کاه‌گل، گچ، آجر و کاشی زائر را به فضا پیوند می‌زند و نوعی حس تعلق به فضا در وی ایجاد می‌نماید که هر زمان تشویش خاطر پیدا نمود با ورود به این مکان و دیدن گلدسته‌های این مسجد که سیر به عالم سلوک را به نمایش گذاشته‌اند، آرامش یابد و به‌نوعی روانش ترمیم گردد. از منظر ادراکات بساوایی پوست انسان در درک محیط، موقعیت و میزان تابش آفتاب و نیز تأثیر رطوبت هوا، وجود و عدم سایه و میزان آن در صحن مسجد

گوهرشاد سبب تجربه فضایی متفاوت در زائران گشته است. داده‌های بساوایی در صحن و ایوان‌ها با کالبد بنا تعدیل گشته و شدت آن با کاشی‌کاری متنوع فضاهای این مسجد کاهش یافته است. داده‌های بساوایی در این مسجد بر تجربه فضایی و به سبب آن پیوند میان بنا و انسان تأکیددارند که از طریق میزان شدت این پیوند، آرامش خیال و ترمیم روان را برای زائران ایجاد می‌نمایند (جدول ۲).

جدول ۲: عوامل ادراکی و تحلیل عناصر مسجد در جهت تجربه فضایی (مأخذ: نگارندگان).

فضا	تأثیرگذاری بر روان				عوامل ادراکی	تحلیل
	عناصر کالبدی	تزئینات	تناسبات	عناصر اربعه		
صحن و شبستان	-	*	*	*	حوض آب، تطهیر، رطوبت ناشی از تبخیر و آواز کبوترها برفراز گنبد، ارتفاع بلند ایوان و درآیگاه‌ها، مناره‌های بلند، رنگ لاجوردی کاشی‌کاری‌ها، موقعیت متغیر نور و سایه، حرکت به دور حوض آب.	ادراک آرامش و تجلی عرفان هنگام ورود به صحن با دیدن گنبد و مناره‌ها همراه با حوض آبی که در وسط صحن واقع گشته است، به زائر القاء می‌شود که در ترمیم روان وی نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌نماید.
گنبد و مناره	*	*	*	-	تناسبات کشیده مناره‌ها در جهت حرکت از زمین به آسمان، مناره‌ها بلند و کاشی‌کاری آبی جداره‌ها، سطح خاکی کف.	با نگاه به مناره‌ها در کنار گنبد سیر سلوک به عالم نهان و حرکت به سمت خدا ناخودآگاه ذهن و روان زائر را در برمی‌گیرد و نوعی آرامش خیال را در وی ایجاد می‌نماید.
ایوان‌ها	-	*	*	-	تناسبات کشیده فضا برخلاف جهت حرکت، مکث و سکون، جداره‌های رنگی با رنگ غالب آبی لاجوردی.	سکوت، سیر درون به درون و تأمل در نظم آفرینش جملگی سبب آرامش ذهن و روان زائر می‌گردد و به دنبال خود ترمیم روان وی را به همراه دارد.
رواق دارالسیاده رواق دارالحفاظ رواق دارالسلام	-	*	-	-	-	حرکت از روشنایی به سمت تاریکی و داخل رواق‌ها نوعی حرکت از بیرون به درون را موجب می‌شود.
مدرسه پریزاد	*	*	-	-	وجود طاق‌های قوسی شکل، تزئینات کم، محراب خالی از تزئینات، تناسبات کشیده، فضای یکدست و بزرگ.	تزئینات و یکنواختی روشنایی در این فضا گویا تنها به دلیل آموزش دین صورت گرفته است و فضا تنها به دلیل بی‌آلایش بودن همراه با رنگ غالب سفید آرامش را برای زائر به همراه در آورد.

ازآنجاکه معماری در ایران با تعالیم عارفانه درهم‌آمیخته، همچون ادبیات عارفانه این سرزمین، زبان گویای عرفان مصفای ایرانی است و نور در آن، حکایتی است بس پررمز و راز (ندیمی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). در مسجد گوهرشاد شهر مشهد گنبدخانه از نظر مواجهه با نور خورشید خیال‌انگیز است، زیرا به‌هیچ‌وجه نوری از سقف وارد فضا نمی‌شود و تمامی

روشنایی فضا از پنجره‌ها تأمین می‌شود. در این مسجد نوری که از پایین و دیواره‌ها به فضا وارد می‌شود، همراه با هندسه مقرنس‌ها سبب می‌گردد که گنبد با ارتفاع هرچه بیشتر، تاریک‌تر شود و نوعی تضاد با واقعیت بیرونی ایجاد گردد. در سیر عرفانی، حرکت از نور به تاریکی و از تاریکی به سمت نور، در آرای بسیاری از عرفا و حکما ازجمله ابن عربی، سهروردی، عبدالرزاق کاشانی و بعدها ملاصدرا در اسفار اربعه تجلی‌یافته است. دو سفر اول نوعی سفر از تاریکی نفس به نور احدیت و دو سفر دوم، حرکت از نور به‌جایی است که هیچ نوری نیست جز ذات حق و حیات جاویدان. در اندیشه عرفا، عرفان رو به نور مقدمهٔ عرفان رو به تاریکی است و در این دو بنا، تقابل این دو عرفان قابل‌احصا است، بنابراین در مسجد گوهرشاد، فضاهای همجوار با گنبدخانه که هیچ اشعه نوری به آن نمی‌تابد در تاریکی مطلق هستند. از این‌رو اگر نور مظهر قداست ذات باری‌تعالی است، عدم حضور نور در این فضا، موجب ایجاد چنان ژرفا و عمقی می‌شود که انسان خود را تنها در مظهر خداوند می‌یابد. در اینجا تاریکی، کیفیتی به فضای معماری بخشیده که مکانی بی‌حدوحصر برای سیر عارف خداجوی خلق کرده است. در شبستان‌های این مسجد نیز هیچ کورسوی نوری در فضا وجود ندارد. تاریکی مطلق، رمزآمیزترین وجه فضاست که سبب می‌گردد تا زائر در فکر فرو رود و از اغتشاش‌های دنیای مادی خالی گردد. همچنین ژرفای فضا در شبستان‌های مسجد گوهرشاد به حد نهایت خود رسیده و کنج عزلتی ساکت و مخفی جهت تابش نور الهی بر چهره مؤمنان خداجوی فراهم آورده است تا نور مادی، ستر و حجاب نور عقلی نشود (تصویر ۵).



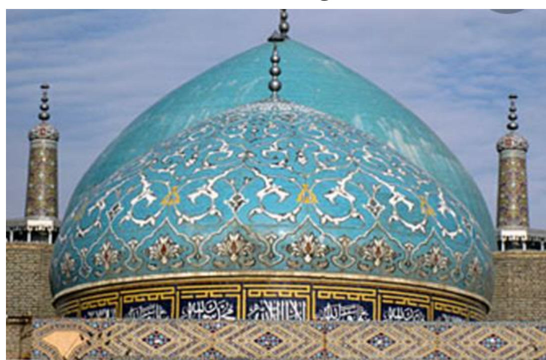
تصویر ۵: فضای داخل مسجد گوهرشاد شهر مشهد (مأخذ: نگارندگان).

قضیه متافیزیکی: ادراک فضا مبتنی بر پدیدارشناسی ادراک فضا

فضای معماری بیانیه‌ای بصری است که خود را بی‌واسطه در وجود انسان‌ها جای می‌دهد (پالاسما، ۱۳۹۵: ۱۳۵). از این‌رو تجربهٔ کیفیت فضا توسط کاربران مهم‌ترین ابزار فهم آن است. کنش میان کاربران و فضا، مبادله عواطف و احساسات افراد و بناست. برداشت‌ها، تصاویر ذهنی و خاطرهٔ افراد از فضا، ماهیت و هویت آن را می‌سازد. پدیدار شدن معانی امر بیرون از ذهن برای انسان مشروط به حضور او در فضا، تجربهٔ زیستهٔ او و التفات ذهن انسان به آن است (احمدی، ۱۳۹۸: ۵۵). در پدیدارشناسی مکان در رابطه با تجربه فضایی ابتدا، خصوصیات اساسی و ارتباطات درونی تجربهٔ محیط؛ سپس ویژگی‌های کالبدی فضا و سرانجام ارتباط انسان با محیط (پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) موردبررسی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، کیفیت فضاهای گوناگون مسجد گوهرشاد شهر مشهد، تجربهٔ فضایی متفاوتی را در هر مرحله برای زائران فراهم می‌آورد. حضور آب در حوض وسط صحن، دعوتی است برای تطهیر و مکث جهت ورود به مسجد جهت زیارت. همچنین آینه‌ای است جهت انعکاس ایوان و درآیگاه‌ها و منشاء تلطیف هوا که با صدای خود بر کیفیت فضایی صحن مسجد گوهرشاد می‌افزاید و به زائران این امکان را می‌دهد تا به قسمت‌های گوناگون این مسجد، مصالح، فرم، گنبد و ایوان‌ها بنگرند و مناسب‌ترین مکان را برای زیارت انتخاب نمایند. تناسبات ایوان‌ها و ارتفاع آن‌ها

سبب سایه‌اندازی در محوطه صحن گشته است که این سایه‌اندازی به سبب ایجاد نقاط تیره و روشن در زمین و ایجاد خنکی محیط، مکان مناسبی را برای زائران فراهم می‌آورد تا در محیطی مطلوب در کنار هم و به دور از تابش مستقیم آفتاب به زیارت بپردازند. گلدسته‌های کنار گنبد مسجد گوهرشاد، نگاه انسان را به سمت آسمان می‌چرخاند و زمین و آسمان را به هم پیوند می‌زند. در شبستان و محراب این مسجد سکوت فضا عنصر غالب در فضاست و تجربهٔ حضور افراد مبتنی پرحرکت به سمت محراب است. در شبستان حرکت حالت خطی و مستقیم دارد و تجربهٔ زیارت همراه با القاء آرامش را به خاطر زائران می‌آورد. کاربرد مصالح نیز در جای‌جای این مسجد غالباً آجر و تک‌رنگ در همهٔ فضاها به‌جز سردر ایوان‌ها که کاشی‌کاری و مقرنس‌کاری و مدرسه که علاوه بر آجرکاری و کاشی‌کاری، گچ کاری نیز دارد؛ می‌باشد. بافت، دما، رنگ و نقش این مصالح بیش از هر چیز برای زائران آرامش را متبلور می‌سازد و تأکید بنا بر ماهیت آرامش‌بخش را می‌رساند (جدول ۳).

در نگاه سنت‌گرایان، گنبد به‌مثابه نماد وحیانی و نقوش زیرینش، تجلی صفات جلالی و جمالی الهی تلقی شده است (اردلان، ۱۳۸۰: ۵۲). در نگاه عرفانی، طی کردن قوس نزولی از وحدت به کثرت و قوس صعودی از کثرت به وحدت در بازخوانی معانی عرفانی نهفته در صورت گنبد مطرح شده است (طهوری، ۱۳۸۶: ۳۶). برخی دیگر در رابطه با تأویل معانی نهفته در گنبد، مرکز گنبد را نماد وحدت و در سطحی فروتر نماد روح و دیوارهای هشت‌وجهی آن را که گنبد بر آن تکیه می‌زند، نماد نظم آسمانی و پایه‌های چهاروجهی آن را نماد زمین یا جهان خاک می‌دانند (نصر، ۱۳۷۵: ۱۷). بورکهارت گنبد را بنای مقدس، نشان‌دهنده روح کلی می‌داند (بورکهارت، ۱۴۷:۱۳۶۹). برخی دیگر آن را نماد آسمان دانسته و آن را خیمه دهر نامیده‌اند (اردلان، ۱۳۸۰: ۵۲). و عده‌ای دیگر آن را درختی با شاخ و برگ‌های سبز می‌دانند (استرلین، ۱۳۷۷: ۱۰۵). در نگاهی متفاوت از همهٔ پژوهشگران هنر سنتی، سید محمد بهشتی به تأویل مناسک حج در ساختار مساجد ایرانی می‌پردازد و این دو را بر یکدیگر منطبق می‌داند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۹۱). در گنبد مسجد، در پوسته بیرونی کاشی‌های لعابدار فیروزه‌ای با ترک‌بندی‌های عمودی نقوش هندسی گنبد را ساخته‌اند و در زیرگنبد، هندسه مقرنس‌ها نوعی بازی نور و تاریکی خلق کرده است. آنچه وجه برگزیده گنبد است، نقش آیینگی کاشی‌کاری‌های روی گنبد است که گویی آسمان آبی‌رنگ را در خود منعکس نموده است. پوسته بیرونی، وجود خود را انکار می‌کند و آیینه‌ای می‌شود برای بازنمایی آسمان. سقف که محل سیر عرفانی است، صلبیت و سنگینی خود را از دست می‌دهد و سبک می‌گردد. رنگ آبی کاشی‌کاری‌ها سقف به نحوی انتخاب شده است که گویی اگر از آیینه به‌جای کاشی‌ها استفاده می‌شد، همین رنگ را از آسمان بازتاب می‌نمود (تصویر ٦).



تصویر ٦: کاشی‌کاری‌های گنبد مسجد گوهرشاد شهر مشهد (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۳: تحلیل فضاهای مسجد جامع اصفهان در جهت تفسیر ترمیم روان با حضور در فضا و تجربه فضایی (مأخذ: نگارندگان)

فضا/عناصر	تحلیل بنا	تفسیر ترمیم روان در فضای مسجد
صحن		نظام دلالت نشانه‌های کالبدی، به منزلهٔ نقطهٔ عزیمت است. در صحن مسجد، تناسبات عمودی ایوان‌ها و دو مناره، توجه مخاطب را به عامل باقی جلب می‌کند و حسی از آرامش را در وی ایجاد می‌نماید.
گنبد و مناره		نگاه از زمین به آسمان در جهت سیر به عالم سلوک و کسب آرامش. سیر حرکت از روشنایی به تاریکی.
ایوان		عبور صحن با دید به حوض و آب وسط حیاط، سیر از روشنایی به تاریکی با سایه‌اندازی در ایوان‌ها و نیل به سرمنزل مقصود و انجام زیارت جهت کسب آرامش روحی و ترمیم روان.
شبستان		سرمنزل مقصود جهت انجام زیارت، با عبور از صحن و روشنایی به تاریکی فضا.
مدرسه		ترمیم روان و کسب آرامش به‌منزله سرمنزل سکوت بودن این مکان و یادگیری عرفان.

نتیجه‌گیری

معماری مساجد در ایران به‌ویژه مساجد تاریخی از دوره قاجار به بعد که اندیشه‌های اسلامی و باورهای عرفانی در ایران عمیق‌تر گشت، متأثر از معناگرایی مذهبی و عرفانی بوده و آن‌ها را در خود متبلور ساخته است، بنابراین عناصر و اجزاء کالبدی، نشانه‌ها و حضور انسان در این فضا، فراتر از تجسم امر مادی است. بر این اساس، در پژوهش حاضر نتایج حاصل از بررسی و استدلال نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب فضایی در مسجد گوهرشاد، عدم تنوع مصالح در آن و مواجههٔ انسان از ورودی تا صحن و سپس از ایوان تا شبستان مبتنی بر دیدگاه تجربه فضایی و به سبب آن ایجاد فضایی آرام‌بخش جهت ترمیم روان زائران است. در تحلیل بنا، به اتکای فهم تجربه فضایی، حضور در فضای مسجد، استشمام هوا همراه با بوی نم و باد مطلوب، در هماهنگی با دریافت‌های حسی از فضا بیرونی مسجد، عالمی وصف‌ناپذیر را به نمایش درآورده است که در جهت بهبود درک این عالم وصف‌ناپذیر تناسبات، فرم، مصالح، حرکت از زمین به آسمان به نحوی در مسجد گوهرشاد به‌کاررفته‌اند که برای زائر بازنمایی عرفان است. سپس هنگام گذر از صحن که خالی بودنش از گیاهان، پیوند میان معرفت و عبادت را در پیوند با فهم کیهانی بهبود می‌بخشد، به داخل ایوان‌ها و سپس شبستانِ این مسجد، این عرفان قوی‌تر گردیده و در محیط داخلی شبستان به دلیل ارتفاع‌گرایی، گذر از روشنایی به تاریکی به اوج می‌رسد و همزمان با سیر و سلوک، آرامش را به داخل قلب زائر می‌آورد که از این طریق بهبود و ترمیم روان را به دنبال دارد. همچنین با توجه به قضایای تجربی، تحلیلی و متافیزیکی مبتنی بر استدلال منطقی، در جهت تأثیر تجربه فضایی مسجد بر ترمیم روان، می‌توان اذعان نمود که در مساجد عناصر کالبدی و حضور عناصر آرامش‌بخش من‌جمله آب و خاک و حرکت به سمت نور، نقش مهمی را در ترمیم روان مخاطبان ایفا می‌نمایند و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های ترمیم روان در مساجد نام برد. ضمن اینکه درک شهودی از فضا با حضور در فضا و تجربهٔ آن، رفتاری آراسته با الگویی تاریخی را در زائران ایجاد می‌نماید که او را به عالم بالا سیر دهد و ذهنش را از تمام عواملی که مشوشش نموده است، خالی سازد و آرامش را به قلبش

سوق دهد و روانش را ترمیم بخشد. از این‌رو، ترمیم روان در راستای بعد کیفیت تجربه فضایی مساجد تاریخی که ماهیت بنیادی‌شان به دست ایرانیان بوده است، امروزه در دوران معاصر راهبردی برای آفرینش دیگر مساجد محسوب می‌شود.

فهرست منابع

۱. اردلان، نادر؛ و لاله بختیار. (۱۳۸۰). ***حس وحدت***. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: خاک.

۲. استیرلن، هانری. (۱۳۷۷). ***اصفهان تصویر بهشت***. ترجمه جمشید ارجمند. تهران: پژوهش فرزان.

۳. اکبری، علی. (۱۳۹۷الف). ***برداشت‌هایی فلسفی از مبانی نظری معماری***. قزوین: جهاد دانشگاهی.

٤. اکبری، علی. (۱۳۹۷ب). «فهم روایتگری معماری مبتنی بر نسبت دیالکتیک فضا زمان با بدن». ***پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران***. (شماره ۸). ۹۷-۷۵.

۵. الکساندر، کریستوفر؛ و مهرداد قیومی بیدهندی. (۱۳۹۳). ***معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن***. تهران: روزنه.

٦. بازرگان، عباس. (۱۳۹۷). ***مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته***. تهران: دیدار.

۷. بورکهارت، تیتوس. (۱۹٦۳). ***هنر مقدس***. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.

۸. بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۹). ***مسجد ایرانی، مکان معراج مؤمنین***. تهران: روزنه.

۹. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۵). ***خیال مجسم، تخیل و خیال‌پردازی در معماری***. ترجمه علی اکبری. تهران: پرهام‌نقش.

۱۰. پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). ***پدیدارشناسی مکان***. تهران: فرهنگستان هنر.

۱۱. پیرنیا، کریم. (۱۳۸۷). ***مساجد، مجموعه معماری ایران، دوره اسلامی***. گردآورنده یوسف کیانی. تهران: سمت سروش.

۱۲. تقدیر، سمانه. (۱۳۹٦). «تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه». ***پژوهش‌های معماری اسلامی*** (شماره ۵)، ٦۹-۴۸.

۱۳. جمالوندی، زهرا، و همکاران. (۱۳۹۴). «نقش نور و رنگ در معماری مساجد ایرانی اسلامی». ***همایش ملی معماری و شهرسازی هویت گرا***. موسسه بین‌المللی معماری، شهرسازی مهراز شهر.

۱۴. دری، علی؛ و غلامرضا طلیسچی. (۱۳۹۷). «کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف اله و امام اصفهان)». ***پژوهش‌های معماری اسلامی***. (شماره ۱۹)، ٤۰-۱۹.

۱۵. شجاری، مرتضی؛ و همکاران. (۱۳۹٦). «حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد بر مبنای آرای ملاصدرا (نمونه موردی مسجد کبود تبریز)». ***کیمیای هنر***. (شماره ۲۲) ۸۲-۷۵.

١٦. ضرغامی، اسماعیل؛ و سید محمد بهروز. (۱۳۹۴). «نقش و مفهوم فضا در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی». ***مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی***. (شماره ۲)، ۹۹-۸۱.

۱۷. طهوری، نیر. (۱۳۸٦). «تجلی باورهای اعتقادی و مفاهیم عرفانی در هنر، معماری و شهرسازی سنتی ایران». ***مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری***. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

۱۸. فلاحت، محمدصادق؛ و سمیرا نوحی. (۱۳۹۱). «ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری». ***هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی***. (شماره ۱)، ۲۵-۱۷.

۱۹. مهدی نژاد، جمال‌الدین؛ و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی معیارهای طراحی مساجد مبتنی بر نحوه سازمان‌دهی فضایی (نمونه موردی: مساجد سنتی، معاصر، مدرن)». ***شهر ایرانی اسلامی*** (شماره ۳۱)، ٧٤-٦۳.

۲۰. میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). «استدلال منطقی به‌مثابه روش پژوهش». ***صفه***. (شماره۵۰)، ۵۰-۳۵.

۲۱. نصر، سید حسین. (۱۳۹۰). ***هنر و معنویت اسلامی***. ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.

۲۲. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). ***درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی***، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۳. نساج، حسین؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی نشانه شناسانه کاربرد عناصر طبیعت در معماری مسجد امام اصفهان؛ با تأکید بر نقش نشانه‌شناسی در رسیدن به هویت کالبدی». ***همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی.*** رشت: دانشگاه پیام نور گیلان.

24. Coles, R; and N. Keshavarz. (2006). "The restorative potential of local urban environments The impact of green infrastructure on the health and well being of local residents. Urban forestry for human health and wellbeing. Documento presentado en la reunión COST-E39". ***Research Conference y ASEM Second Symposium on Urban Forestry***. Dinamarca: Copenhagen.

25. Cohen, S. (2007) "Psychological Stress and Disease". ***The Journal of the American Medical Association***. (vol 14), 1685–1687

26. Franz, G. (2005). "An empirical approach to the experience of architectural space in VR". ***DIGITAL DESIGN-Proceedings of the 22nd International ECAADe Conference Graz***. Austria: University of Technology.

27. Gifford, R. (2007). ***Environmental Psychology***. Victoria, BC: Optimal Books.

28. Hartig, T. (2004). "Restorative environments". ***Encyclopedia of applied psychology***. San Diego: Academic.

29. Hartig, T. (2011). "Issues in restorative environments research: Matters of measurement". ***Psicología Ambiental***. Uppsala University, Disciplinary Domain of Humanities and Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Institute for Housing and Urban Research

30. Hilenbernd, Robert. (2010). ***Islamic Architecture***. Translated by Bagher Ayatalahzadeh Shirazi. Tehran: Rozaneh.

31. Macalister, lorissa. (2016). "Exploring Inpatients' Experiences of Healing and Healing Spaces: A Mixed Methods Study". ***Journal of Patient Experience***. (vol 3), 119-130.

32. Tschumi, B. (2012). ***Events:The Turning Point" in Architecture Concepts: Red is Not a Color***. New York: Rizzoli.